



نگاه نو

فنی و حرفه ای

دوره دوم متوسطه

فارسی یازدهم

جواد امیرسالاری

شرح تمامی ابیات و عبارات به صورت درس به درس و سطر به سطر
پاسخ سؤالات کارگاه درس پژوهی
ارائه سؤالات تکمیلی کارگاه درس پژوهی با پاسخ تشریحی
آموزش آرایه های ادبی و توضیحات تکمیلی نکات دستوری
مجموعه واژگان کل کتاب به صورت یکپارچه

نگاه نو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فارسی یازدهم

رشته های فنی و حرفه ای و کاردانش

دوره دوم متوسطه

مجموعه کتاب های نگاه نو

نگاه

مؤلف جواد امیرسالاری

چون در تهیه ی مطالب این کتاب وقت و
هزینه زیادی صرف شده است، بنابراین
هر گونه کپی از مطالب آن یک نوع سرقت
تلقی می شود و حرام و خلاف انسانیت است.



این کتاب،

**تقدیم می شود به همکاران ارجمندی که عامله سرشار و گرمای امید بخش وجودشان در این
سردترین روزگاران، بهترین پشتیبان است.**

هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ و نشر
تمام یا بخشی از این کتاب را به هر صورت اعم
از فتوکپی، چاپ کتاب، جزوه و یا حتی برداشت
به صورت دستنویس ندارد و متخلفین به
موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفین و
ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

سرشناسه : امیر سالاری، جواد، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور : فارسی یازدهم، رشته های فنی و حرفه ای و
کار دانش:
دوره دوم متوسطه / مولف جواد امیرسالاری.
مشخصات نشر : شیراز: نگاه نو فرهنگ، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۱۳۸ ص: ۲۳×۲۹ سم.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۴۲-۳۳-۳
فهرست نویسی : فیپاک مختصر
یادداشت : چاپ هفتم - ۱۴۰۴ (فیپا)
کتابشناسی ملی : ۵۳۴۸۳۰۶



مجموعه کتاب های نگاه نو

فارسی یازدهم (رشته های فنی و حرفه ای و کار دانش)

مؤلف جواد امیرسالاری
محل نشر شیراز
ناشر نگاه نو فرهنگ
نوبت چاپ هفتم - ۱۴۰۴
شمارگان ۱۰۰۰
شابک ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۴۲-۳۳-۳
لینتوگرافی، چاپ و صحافی سلمان قم
ویراستار و صفحه آرا حلیمه کاشانی
قیمت ۲۴۰،۰۰۰ تومان

سامانه فروش اینترنتی: www.negahenow.com

شماره تماس با ناشر: ۰۹۹ ۲۵ ۶۰ ۴۵ ۴۹

توجه: چون در تهیه مطالب این کتاب وقت و هزینه زیادی صرف شده است، بنابراین هرگونه کپی و اسکن از تمام یا بخشی از
صفحات کتاب و نشر آن در فضای مجازی یا حقیقی یک نوع «**جرم و سرقت**» محسوب شده و حرام و خلاف اخلاق است.

مقدمه

به نام خداوندی که آفریننده دانش و روشنائی است؛
آن که جان را با نور علم زینت داد و دل‌ها را با عشق و معرفت آرامش بخشید.

سخنی با دانش‌آموزان و همکاران گرامی

دوستان خوبم!

کتابی که در دست دارید ویژه دانش‌آموزان پایه یازدهم رشته‌های فنی و حرفه‌ای تألیف شده است. این اثر حاصل تلاشی صمیمانه است تا شما را در مسیر یادگیری ادبیات فارسی یاری کند. ما کوشیده‌ایم با نگاهی نو، درس‌های این کتاب را ساده‌تر و شیرین‌تر توضیح دهیم تا هم در فهم مفاهیم یاریگر شما باشد و هم اشتیاقتان را به دنیای زیبای ادب فارسی بیشتر کند.

ویژگی‌های کتاب:

- ۱- **بررسی دقیق درس‌ها:** همه بخش‌های کتاب، از قلمرو زبانی و ادبی تا قلمرو فکری، گام‌به‌گام توضیح داده شده‌اند.
 - ۲- **پرسش و تمرین برای فهم بهتر:** سؤالات کارگاه‌های درس‌پژوهی همراه با پاسخ‌های تشریحی آمده است تا در تقویت درک مطلب به شما کمک کند.
 - ۳- **سؤالات تکمیلی و نمونه آزمون‌ها:** پرسش‌هایی تألیفی و نمونه سؤالات نهایی به همراه پاسخ درج شده تا با شیوه امتحانات آشنا شوید.
 - ۴- **جدول واژگان مهم:** همه واژه‌های ضروری هر درس دسته‌بندی شده تا مرور و یادگیری آن‌ها آسان‌تر باشد.
 - ۵- **پیوست‌های کاربردی:** «آرایه‌های ادبی» و «نکات دستوری» در دو پیوست به صورت جداگانه توضیح داده شده است: **پیوست اول**، به آموزش آرایه‌های ادبی می‌پردازد و **پیوست دوم**، دربردارنده توضیحات بیشتری درباره محتوای سؤالات برخی نکات دستوری کارگاه‌های درس‌پژوهی است، که به تفکیک درس با مثال‌های متنوع از متن کتاب ارائه شده است.
 - ۶- **در آغاز هر متن، رمزینه‌ای (QR کد) قرار گرفته است که با اسکن آن توسط تلفن همراه، فایل صوتی خوانش همان متن، پخش می‌شود.** این قابلیت، فرصتی ارزشمند برای شما دانش‌آموزان عزیز است تا متن‌ها را با تلفظی صحیح و بیانی روان بشنوید.
- امیدواریم این مجموعه چراغی باشد در مسیر یادگیری شما، و ادبیات فارسی را نه فقط به‌عنوان درسی در مدرسه، بلکه به‌عنوان گنجینه‌ای برای زندگی دوست بدارید.
- در پایان، بر خود لازم می‌دانم از همسر گرامی‌ام، سرکار خانم حلیمه کاشانی، که در ویراستاری و صفحه‌آرایی این اثر با صبر و دقت فراوان زحمات بسیاری کشیده‌اند، صمیمانه قدردانی کنم. همچنین از دوستان و همکاران مهربانی که در این مسیر همواره مشوق من بوده‌اند، با سپاس یاد می‌کنم.

با آرزوی موفقیت برای شما دانش‌آموزان پرتلاش

«جواد امیرسالاری»

ستایش: چاشنی بخش زبان‌ها



شعر: مثنوی

شرح ابیات

فرهاد و شیرین، وحشی بافقی

۱ به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها

قلمرو زبانی: ۱: چاشنی‌بخش*؛ آنچه برای اثربخشی بیشتر کلام به آن اضافه می‌شود. حلاوت*: شیرینی

قلمرو فکری: معنی: با نام خداوندی سخن را آغاز می‌کنم که نامش سبب اثربخشی کلام و معیار سنجش شیرینی معنا می‌شود.

۲ بلند آن سر، که او خواهد بلندش نژند آن دل، که او خواهد نژندش

قلمرو زبانی: بلند: ارجمند، دارای اهمیت و ارزش نژند*: خوار و زبون

قلمرو فکری: معنی: آن وجودی ارجمند خواهد شد که خداوند، او را ارجمند بخواهد و کسی خوار و زبون خواهد شد که خداوند، او را خوار و زبون بخواهد.

مفهوم: عزّت و ذلّت، دست خداست.

۳ در نابسته احسان گشاده‌ست به هرکس آنچه می‌بایست، داده‌ست

قلمرو زبانی: نابسته: بسته نشده احسان: بخشش، نیکویی

قلمرو فکری: معنی: خداوند در بسته‌نشده احسان را باز کرده و به هرکس آنچه لازم بوده چیزی عطا کرده است.

مفهوم: لطف و بخشندگی بی‌انتهای خداوند

۴ به ترتیبی نهاده وضع عالم که نی یک موی باشد بیش و نی کم

قلمرو فکری: معنی: خداوند وضعیت جهان را به ترتیبی قرار داده است که نه ذره‌ای، زیاد باشد و نه کم باشد.

مفهوم: «نظام احسن» در جهان / نظم حاکم بر جهان آفرینش

۵ اگر لطفش قرین حال گردد همه ادبارها اقبال گردد

قلمرو زبانی: قرین: همراه ادبار*: بد بختی، سیه‌روزی؛ متضادّ اقبال اقبال*: خوش‌بختی، سعادت

قلمرو فکری: معنی: اگر لطف الهی همراه حال انسان شود، همه بدبختی‌ها، خوش‌بختی می‌شود.

مفهوم: لطف خداوند، سبب نیک‌بختی است.

۶ و گر توفیق او یک سو نهد پای نه از تدبیر کار آید نه از رای

قلمرو زبانی: تدبیر: چاره جویی رای: اندیشه

توفیق*: آن است که خداوند، اسباب را موافق خواشش بنده، مهیا کند تا خواشش او به نتیجه برسد؛ سازگار گردانیدن

قلمرو فکری: معنی: اگر توفیق الهی شامل حال انسان نشود، نه از چاره جویی و نه از اندیشه او، کاری بر نمی‌آید.

مفهوم: برتری توفیق الهی بر اندیشه و تدبیر

توجه: ۱- نکات دستوری و آرایه‌ای در بخش «ستایش» بیان نشده؛ زیرا با توجه به راهنمای عمل ارزشیابی از بخش «ستایش» و

«نیایش»، سؤال دستور و آرایه ادبی طرح نمی‌شود.

۲- ستاره در کنار برخی از واژه‌ها بیانگر این است که این لغات در واژه‌نامه کتاب درسی معنی شده‌اند و در آزمون‌ها اهمیت دارند.

۷ خرد را گر نبخشد روشنائی بمآند تا ابد در تیره‌رایی

قلمرو زبانی: خرد: عقل تیره‌رایی*: بد اندیشی، گمراهی

قلمرو فکری: معنی: اگر خداوند به عقل، قدرت فهم عطا نکند، تا ابد در گمراهی باقی می‌ماند.

مفهوم: لطف خداوند سبب روشنایی عقل است.

۸ کمال عقل آن باشد در این راه که گوید نیستم از هیچ، آگاه

قلمرو فکری: معنی: اوج کمال عقل در راه شناخت خداوند، آن است که بگوید از هیچ چیز آگاه نیستم.

مفهوم: ناتوانی عقل در شناخت خداوند فرهاد و شیرین، وحشی بافقی

سؤالات تکمیلی

قلمرو زبانی

۱- در مصراع های زیر، معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.

الف) به نام چاشنی بخش زبان‌ها (ب) حلاوت سنج معنی در بیان‌ها

ج) بمآند تا ابد در تیره‌رایی (د) نه از تدبیر کار آید نه از رای (فنی - خرداد ۱۴۰۳)

۲- معادل درست توضیح زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید.

«آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد.» (توفیق / شفاعت)

۳- در بیت های زیر، دو واژه بیابید که معنای مشترک دارند؟

* بلند آن سر، که او خواهد بلندش نژند آن دل، که او خواهد نژندش

* هنر خوار شد، جاویی ارجمند نهان راستی، آشکارا گزند

۴- در بیت زیر، دو واژه متضاد بیابید.

«اگر لطفش قرین حال گردد همه ادبارها اقبال گردد»

۵- در بیت «کمال عقل آن باشد در این راه/ که گوید نیستم از هیچ، آگاه»، کدام واژه اهمیت املایی ندارد؟

الف) کمال (ب) عقل (ج) راه (د) آگاه

۶- املای درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف) در ناپسته (احسان / احسان) گشوده است به هرکس آنچه می‌بایست داده ست

ب) به نام چاشنی بخش زبان‌ها (حلاوت سنج / هلاوت سنج) معنی در بیان‌ها

۷- مثنوی فرهاد و شیرین اثر کدام شاعر است؟ ۱- نظامی ۲- وحشی بافقی

قلمرو فکری

۸- معنی مصراع های زیر را به نثر روان و ساده بنویسید.

۱) اگر توفیق او یک سو نهد پای ۲) که نی یک موی باشد بیش و نی کم

۳) همه ادبارها اقبال گردد ۴) نژند آن دل، که او خواهد نژندش

۹- با توجه به بیت زیر، سعادت چگونه حاصل می‌شود؟

«اگر لطفش قرین حال گردد همه ادبارها اقبال گردد»

۱۰- بیت «کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه» با کدام یک از گزینه‌های زیر تناسب معنایی

(خرداد- ۱۴۰۴)

دارد؟

الف) کمال‌گرایی عقل ب) تقابل همیشگی عقل و عشق ج) اظهار عجز از شناخت خدا د) دشوار بودن راه عشق

۱۱- در بیت زیر، شاعر به مقایسه چه چیزهایی پرداخته و کدام یک را برتر دانسته است؟

«وگر توفیق او یک سو نهد پای نه از تدبیر کار آید نه از رای»

۱۲- شاعر در بیت زیر، بر چه موضوعی از آفرینش اشاره کرده است؟

«به ترتیبی نهاده وضع عالم که نی یک موی باشد بیش و نی کم»

۱۳- مفهوم کلی بیت زیر چیست؟

«بلند آن سر، که او خواهد بلندش نژند آن دل، که او خواهد نژندش»

۱۴- با توجه به مصراع «به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها» چرا شاعر، سخن خود را با نام خدا آغاز می‌کند؟

پاسخ سؤالات تکمیلی

۱- الف) چاشنی‌بخش: آنچه برای اثربخشی کلام به آن ۸- ا) اگر توفیق او از ما کناره‌گیری کند. (شامل حال ما نشود).

اضافه می‌شود.

۲) نه ذره‌ای زیاد باشد و نه کم باشد.

ب: حلاوت: شیرینی

۳) همه بدبختی‌ها، به خوش‌بختی تبدیل می‌شود.

ج) تیره‌رای: بداندیشی، گمراهی

۴) آن شخصی زبون می‌شود که خداوند او را خوار و زبون

د) تدبیر: چاره‌اندیشی

بخواهد.

۲- توفیق

۹- لطف الهی همراه حال انسان شود.

۳- نژند و خوار

۱۰- گزینه «ج»

۴- ادبار و اقبال

۱۱- «توفیق الهی» و «تدبیر» / توفیق الهی برتر از تدبیر است.

۵- گزینه «الف»، زیرا هیچ حرف عربی که به چند شکل

۱۲- نظم حاکم بر جهان آفرینش

نوشته شود، در آن دیده نمی‌شود.

۱۳- عزت و ذلت، به دست خداست.

۶- الف) احسان ب) حلاوت‌سنج

۱۴- زیرا نام خدا، سبب اثربخشی کلام می‌شود.

۷- وحشی بافقی

توجه: اطلاعات تکمیلی شامل: واژه‌نامه، آموزش آرایه‌های ادبی همراه با نمونه‌هایی از متن کتاب فارسی، توضیحات تکمیلی برخی نکات دستوری کارگاه‌های درس‌پژوهی، ۱۲ به تفکیک درس و سؤالات آزمون‌های نهایی خرداد ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ عیناً با پاسخ تشریحی در صفحات ۹۹ تا آخر کتاب آمده است.

درس یکم: نیکی



شرح ابیات

۱ یکی روبهی دید بی دست و پای فروماند در لطف و صُنع خدای

قلمرو زبانی: یکی: شخصی فروماندن*: متحیر شدن صُنع: نیکویی و احسان، آفرینش

قلمرو فکری: معنی: شخصی یک روباهی بی دست و پا دید و در لطف و آفرینش خداوند متحیر شد.

مفهوم: حیرت در لطف و آفرینش خداوند

۲ که چون زندگانی به سر می‌برد؟ بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟

قلمرو ادبی: کنایه: به سر بردن (سپری کردن، گذراندن) مراعات نظیر: دست و پا

قلمرو فکری: معنی: که چگونه زندگانی را سپری می‌کند؟ با این دست و پا و ناتوانی از کجا امرار معاش می‌کند؟

۳ در این بود درویش شوریده‌رنگ که شیری برآمد، شغالی به چنگ

قلمرو زبانی: درویش: زاهد شوریده‌رنگ*: آشفته‌حال برآمد: رسید چنگ: دست

شغال*: جانور پستانداری است از تیرهٔ سگان که جزو رستهٔ گوشت‌خواران است.

قلمرو ادبی: مراعات نظیر: شغال و شیر واج‌آرایی: تکرار واج‌های «ش، ر»

قلمرو فکری: معنی: درویش آشفته‌حال، در این فکر بود که شیری، شغالی در دست رسید.

۴ شغال نگون‌بخت را شیر خورد بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد

قلمرو زبانی: نگون‌بخت: بدبخت، بخت برگشته واژهٔ «هم‌آوا»: خورد ← خُرد (کوچک)

قلمرو ادبی: جناس ناهمسان: سیر و شیر رابطهٔ معنایی: شیر و شغال و روباه ← تناسب

قلمرو فکری: معنی: شیر، شغال بخت‌برگشته را خورد و آن‌چه باقی ماند، روباه از آن، سیر خورد.

مفهوم: شیر، عامل روزی‌رسانی خداوند

۵ دگر روز باز اُتفاق افتاد که روزی‌رسان قوت روزش بداد

قلمرو زبانی: روزی‌رسان: روزی رساننده قوت*: رزق روزانه، خوراک، غذا

قلمرو ادبی: واج‌آرایی: واج‌های «ر، ز» تکرار: کلمهٔ روز تلمیح: اشاره به آیهٔ ۳۷ سورهٔ آل عمران

قلمرو فکری: معنی: روز دیگر، دوباره اُتفاقی افتاد که خداوند غذای روزانهٔ روباه را به او عطا کرد.

مفهوم: صفت رزاقیت خداوند ✓ مقصود از روزی‌رسان: خداوند

۶ یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد

قلمرو زبانی: یقین: باور قلبی بیننده: بصیر، بینا تکیه کرد: اعتماد کرد

قلمرو ادبی: مراعات نظیر: دیده و بیننده واج‌آرایی: تکرار واج «ن» رابطهٔ معنایی: دیده و بیننده ← تناسب

قلمرو فکری: معنی: باور قلبی درویش به روزی‌رسانی خداوند، دیدهٔ او را واقع بین کرد، بر این اساس رفت و به روزی‌رسانی

خداوند اعتماد کرد. مفهوم: توکل بر روزی‌رسانی خداوند.

۷ کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور

قلمرو زبانی: مور: مورچه روزی: رزق پیل: فیل

قلمرو ادبی: تشبیه: من مانند مور می‌نشینم. جناس ناهمسان: مور، زور تضاد: مور و پیل واج آرایه: تکرار واج «ر»

کنایه: به کنجی نشستن (کار نکردن) نمادها: پیل (انسان قدرتمند)، مور (انسان ناتوان)

قلمرو فکری: معنی: که بعد از این مثل مورچه در گوشه‌ای می‌نشینم زیرا فیلان هم با زور و قدرت، روزی نمی‌خورند.

مفهوم: بی‌تأثیر بودن قدرت در کسب روزی

۸ زَنَخْدان فرو برد چندی به جیب که بخشنده، روزی فرستد ز غیب

قلمرو زبانی: زَنَخْدان*: چانه جیب*: گریبان، یقه روزی: رزق، غذای روزانه روابط معنایی: زَنَخْدان و جیب ← تناسب

بخشنده: صفت خداوند غیب*: پنهان، نهان از چشم، عالمی که خداوند، فرشتگان و ... در آن قرار دارند.

قلمرو ادبی: جناس ناهمسان: جیب و غیب تلمیح: اشاره به آیه «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ...» واج آرایه: تکرار واج «ب»

کنایه: زَنَخْدان به جیب فرو بردن (به تفکر فرو رفتن) و در این جا مقصود، «نشستن و کوشش نکردن» است.

قلمرو فکری: معنی: مدتی در گوشه‌ای نشست و کوششی نکرد بلکه خداوند از غیب، رزق و روزی بفرستد.

مفهوم: کوشش نکردن و انتظار روزی داشتن

۹ نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست

قلمرو زبانی: بیگانه: غریبه، ناآشنا تیمار: غم چنگ*: نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد.

قلمرو ادبی: جناس ناهمسان: دوست و پوست تشبیه: چو چنگ (فرد به چنگ تشبیه شده است).

مراعات نظیر: رگ، استخوان، پوست تضاد: بیگانه و دوست واج آرایه: تکرار واج «ن»

ایهام تناسب در واژه چنگ: ۱- ساز ۲- دست (در این معنی با رگ و استخوان و پوست، تناسب دارد).

قلمرو فکری: معنی: آشنا و بیگانه غم او را نخوردند، مثل چنگ از او فقط رگ و استخوان و پوست باقی ماند.

مفهوم: غم‌خواری نکردن دیگران / ضعیف و ناتوان شدن

۱۰ چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش ز دیوار محرابش آمد به گوش:

قلمرو زبانی: ضعیفی: ناتوانی، سستی محراب: عبادتگاه

قلمرو ادبی: جناس ناهمسان: گوش، هوش واج آرایه: تکرار واج «ش»

قلمرو فکری: معنی: وقتی به دلیل ناتوانی، صبر و هوش برای او باقی نماند، صدایی از دیوار عبادتگاه به گوشش رسید ...

۱۱ برو شیر درنده باش، ای دَغَل مینداز خود را چو روباه شَل

قلمرو زبانی: دَغَل*: ناراست، حيله‌گر شَل*: دست و پای از کار افتاده روابط معنایی: روباه و شیر ← تضاد

قلمرو ادبی: تشبیه: (تو مثل شیر درنده باش)، (چو روباه شَل) مراعات نظیر: شیر و روباه واج آرایه: تکرار واج «ا»

قلمرو فکری: معنی: ای حيله‌گر، برو مثل شیر وحشی باش و مثل روباه شَل، خود را از کار و حرکت نینداز.

✓ «شیر»: نماد انسان کوشا و متکی به خود ✓ «روباه»: نماد انسان ضعیف، ناتوان و تنبل

مفهوم: به خود متکی بودن در کار و زندگی / نفی تنبلی

۱۲ چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟

قلمرو ادبی: جناس ناهمسان: شیر و سیر واج آرای: تکرار واج «چ» تضاد: شیر و روبه

تشبیه: تو چو شیر/ تو چو روبه (به وامانده سیر شدن: وجه شبه)

قلمرو فکری: معنی: چنان تلاش کن که مانند شیر از تو چیزی باقی بماند. چرا مثل روبه به پس مانده دیگران سیر باشی؟

مفهوم: دعوت به قدرت‌مندی و سودرسانی به دیگران

۱۳ بخور تا توانی به بازوی خویش که سَعِیت بود در ترازوی خویش

قلمرو زبانی: واژه «هم‌آوا»: خویش ← خیش (گاواهن)

قلمرو ادبی: مجاز: بازو (قدرت) کنایه: سعی در ترازوی خویش بودن (نتیجه کار و تلاش به خود برگشتن)

تلمیح: اشاره به آیه ۳۹ و ۴۰ سورة نجم «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى، وَأَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يَرَى»

قلمرو فکری: معنی: تا می‌توانی با قدرت و توانایی‌های خود امرار معاش کن؛ زیرا نتیجه کوشش تو به خودت می‌رسد.

مفهوم: به خود متکی بودن/ نفی تنبلی

۱۴ بگیر ای جوان، دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر

قلمرو ادبی: کنایه: دست گرفتن (کمک کردن)، خود را افکندن (سستی و تنبلی پیشه کردن) تضاد: جوان و پیر

قلمرو فکری: معنی: ای جوان به فقیر سالخورده کمک کن. تنبلی پیشه خود نکن و منتظر کمک دیگران نباش.

مفهوم: کمک‌رسانی به ضعیفان/ دوری از سستی و تنبلی

۱۵ خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است

قلمرو ادبی: واج آرای: تکرار «ش» تلمیح: اشاره به حدیث «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلَّمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»

قلمرو فکری: معنی: عفو خداوند بر آن بنده‌ای است که مردم از رفتار او در آسایش باشند. مفهوم: نکوهش مردم‌آزاری

۱۶ کَرَمَ ورزد آن سر که مغزی در اوست که دُونَ هَمَّتَانْد بی‌مغز و پوست

قلمرو زبانی: کرم ورزیدن: بخشش کردن، لطف کردن دُونَ هَمَّت*: کوتاه‌همت، دارای طبع پست و کوتاه‌اندیشه

روابط معنایی: مغز و پوست ← تضاد سر و مغز ← تضمّن سر و پوست ← تناسب

قلمرو ادبی: مجاز: سر (وجود)، مغز (عقل، فکر)، پوست (ظاهر) جناس ناهمسان: سر، در تضاد: پوست و مغز

قلمرو فکری: معنی: انسانی که عقل دارد لطف و بخشش می‌نماید. زیرا افراد پست، اهل اندیشه نیستند و فقط ظاهری انسانی دارند.

مفهوم: بخشش، نشانه خردمندی است و پستی نشانه بی‌عقلی

۱۷ کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلقِ خدای

قلمرو زبانی: نیک: خوبی، نیک: سرا: خانه هر دو سرای ← دنیا و آخرت نیکی: خوبی

قلمرو ادبی: تلمیح: اشاره به آیه ۷ سورة اسراء «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ» استعاره: سرا (دنیا)

قلمرو فکری: معنی: کسی در دنیا و آخرت خیر و خوبی می‌بیند که به بندگان خدا نیکی برساند.

مفهوم: نیکی کردن، سبب رستگاری است.



کارگاه درس پژوهی

۱- معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- معیار دوستانِ دَغَل روز حاجت است
- قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب **صائب**
- صورت بی‌صورت بی‌حدّ غیب
- ز آینه دل تافت بر موسی ز **جیب** **مولوی**
- فخری که از وسيلت **دُونِ هَمْتِي** رسد
- گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار **اوحدی**

۲- برخی واژه‌ها به تنهایی نمی‌توانند خود را بشناسانند و لازم است در جمله یا زنجیره سخن قرار بگیرند؛

مثلاً معنای واژه ماه را نمی‌توان دانست، مگر با استفاده از شیوه‌های زیر:

الف) قرار گرفتن واژه در جمله:

- ماه، طولانی بود.
- ماه، تابناک بود.

ب) توجه به رابطه‌های معنایی (ترادف، تضاد، تضمّن و تناسب)

■ اکنون برای دریافت معانی هریک از واژه‌های «دست» و «سیر» به کمک دو روش بالا، چند جمله مناسب بنویسید.

۳- از متن درس، دو کنایه بیابید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

۴- ارکان تشبیه را در مصراع دوم بیت دوازدهم مشخص کنید.

۵- معنی و مفهوم بیت سیزدهم را به نثر روان بنویسید.

۶- درک و دریافت خود را از بیت زیر بنویسید.

«یقین، مرد را دیده، بیننده کرد شد و تکیه بر آفریننده کرد»

۷- برای مفهوم هریک از سروده‌های زیر، بیتی مناسب از متن درس بیابید.

- سحر دیدم درخت ارغوانی کشیده سر به بام خسته‌جانی
- به گوش ارغوان آهسته گفتم: بهارت خوش که فکر دیگرانی
- هرکه نان از عمل خویش خورد
- منت حاتم طایی نبُرد
- فریدون مشیری
- سعدی

۸- درباره ارتباط معنایی متن درس و مَثَل «از تو حرکت، از خدا برکت» توضیح دهید.

پاسخ کارگاه درس پژوهی

۱- دَغَل: حيله گر، ناراست جیب: گریبان، یقه دُونِ هَمْتِي: پستی و فرومایگی، طبع پست داشتن

۲- الف) قرار دادن واژه در جمله ب) با توجه به رابطه معنایی

۱- دست‌ها را از شادی به هم می‌زد. (عضو بدن)

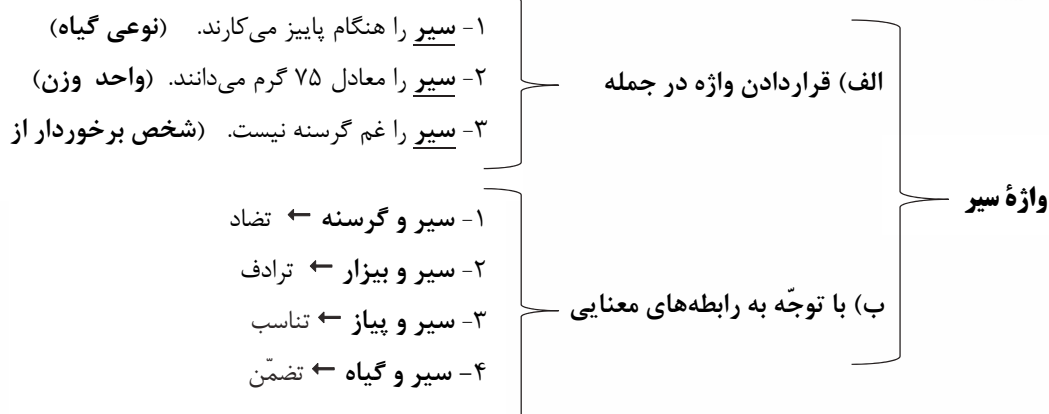
۲- همه از یک دست و از یک جنس است. (نوع)

۳- علی دو دست شلوار خرید. (واحد شمارش)

۱- دست یکی از اعضای مهم بدن است. (تضمّن)

۲- مادر دست در گردن کودک انداخت. (تناسب)

۳- دو دست لیوان و یک سرویس ظرف پلوخوری خریدم. (ترادف)



۳- «به سر بردن» کنایه از سپری کردن، دست کسی را گرفتن کنایه از «به او کمک کردن»

۴- مشبّه: [تو] اادات تشبیه: چو مشبّه‌به: روباه وجه شبه: به وامانده سیر باشی.

۵- تا می‌توانی با قدرت و توانایی‌های خود امرار معاش کن زیرا نتیجه کوشش تو به خودت می‌رسد.

۶- باور قلبی، سبب شد که آن درویش بصیر و بینا شود و برای روزی به خدا تکیه و اعتماد کند.

۷- ■ (دعوت به نیکی و به فکر دیگران بودن) کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای

■ (به خود متکی بودن در کار و زندگی) بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش

۸- در هر دو تأکید شده است که «خداوند رزاق است و روزی دهنده، البته لازمه کسب روزی این است که انسان از خود تلاش و حرکتی نشان دهد تا خداوند هم به کار او خیر و برکت عطا نماید.

کنج حکمت: همت



۱- موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته. به تعجب گفتند: «این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می‌کشد؟»

قلمرو فکری: معنی: مورچه‌ای را دیدند که برای زورآوری مصمم شده بود و ملخی ده برابر خود را برداشته بود. با تعجب گفتند: این مورچه را ببینید که چگونه بار به این سنگینی را حمل می‌کند؟

۲- مور چون این بشنید، بخندید و گفت: «مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.»

قلمرو زبانی: همت: اراده، عزم حمیت*: غیرت، جوانمردی، مردانگی قوت: نیرو

قلمرو فکری: مورچه وقتی این سخن را شنید، خندید و گفت: مردان، بار را با عزم و اراده خود حمل می‌کنند نه با نیروی بدن.

پیام حکایت: برتری عزم و غیرت بر نیروی جسمانی بهارستان، جامی

موفقیت تنها در به‌کارگیری ابزار و مهارت نیست؛ واژه‌ها و اندیشه‌ها نیز ابزارهایی برای ساختن فردای روشن‌اند.

■ ستایش

احسان: بخشش، نیکویی

ادبار^۱: بدبختی، سیه روزی؛ متضاد اقبال

اقبال: خوش بختی، سعادت

تدبیر: عقل و اندیشه

توفیق: آن است که خداوند، اسباب را موافق خواهش

بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد؛

سازگار گردانیدن

تیره‌رایی: بداندیشی، گمراهی

چاشنی‌بخش: آنچه برای اثربخشی بیشتر کلام به

آن اضافه می‌شود.

حلاوت: شیرینی

خرد: عقل

رأی: اندیشه

قرین: همراه

نژند: خوار و زبون

■ درس یکم

بخشایش: عفو، چشم‌پوشی از گناه کسی

تکیه کردن: اعتماد کردن

تیمار خوردن: غمخواری کردن

جیب: گریبان، یقه

چنگ: دست

چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد.

حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی

خطوات: جمع خطوه، گام‌ها، قدم‌ها

درویش: زاهد

دَغَل*: حيله گر، ناراست

دون‌هَمّت*: کوتاه هَمّت، دارای طبع پست و کوتاه‌اندیشه

راغ*: دامنه سبز کوه، صحرا

روزی: رزق، غذای روزانه، توشه، بهره

روضه*: باغ، گلزار

زَنَخْدان*: چانه

سرا: خانه، محل اقامت

شغال*: جانور پستانداری است از تیره سگان که جزو

رسته گوشتخواران است.

شَل*: دست و پای از کارافتاده

شوریده رنگ*: آشفته حال

صُنْع: نیکویی و احسان، آفرینش

گرامت زده*: تاوان زده، کسی که غرامت کشد، پشیمان

غیب*: پنهان، نهان از چشم، عالمی که خداوند،

فرشتگان و ... در آن قرار دارند.

فَراغ*: آسایش، آسودگی

فروماندن*: متحیر شدن

فیروزه‌فام*: به رنگ فیروزه، فیروزه رنگ

قوت*: رزق روزانه، خوراک، غذا

کرم ورزیدن: بخشش کردن، لطف کردن

گران: سنگین

محراب: عبادتگاه

مقارب*: نزدیک به هم، در کنار هم

مرغزار*: سبزه‌زار، زمینی که دارای سبزه و علف‌های

خودرو است.

مور: مورچه

نیکی: خوبی، احسان

هَمّت: اراده، عزم

■ درس سوم

آرمان: آرزو، امید

۱- علامت ستاره (*) در کنار برخی از واژه‌ها بیانگر این

نکته است که این لغات در واژه‌نامه کتاب درسی معنی

شده‌اند و در آزمون‌ها اهمیت بیشتری دارند.

پیوست ۱:

آموزش آرایه‌های ادبی همراه با نمونه‌هایی از کتاب فارسی یازدهم

۱- تشبیه:

ادعای همانندی و اشتراک چیزی است با چیز دیگر در یک یا چند صفت.

ارکان تشبیه: ۱- مشبّه ۲- مشبّه‌به ۳- وجه شبه ۴- ادات تشبیه

۱- مشبّه: اسمی که مانند می‌شود. ۲- مشبّه‌به: اسمی که چیزی به آن مانند می‌شود.

۳- وجه شبه: صفت مشترک بین دو اسم ۴- ادات تشبیه: واژه‌هایی که شباهت را به وسیله آنها نشان می‌دهند.

این ادات، اغلب عبارتند از: چون، چو، مانند، مثال، به سان، به رنگ، به کردار، همچون و ...

توجه: ۱- برای ساختن یک تشبیه، وجود طرفین تشبیه (مشبّه و مشبّه‌به) الزامی است اما وجود بقیه ارکان ضروری نیست.

۲- به تشبیهی که به صورت مضاف و مضاف‌الیه به کار رود، اضافه تشبیهی می‌گویند.

نمونه‌های تشبیه:

مشبّه‌به	مشبّه	بیت
مور	(من)	کـه روزی نخوردنـد پـیلان بـه زور
شیر / روباه	(تو)	چـه باشی چـو روبـه بـه وامانده، سـیر؟
ماه	فرزند	بنـشانـد چـو مـاه در یـکـی مـهـد
بلا	عشق	آزاد کـنن از بـلای عـشـقـم
خورشید	فریاد	دمیـد از گـلـوـی سـحـر زادنـان
		کـزین پـس بـه کـنجی نـشـینم چـو مـور
		چـنان سـعی کـن کـز تـو مـاند چـو شـیر
		فرزـنـد عـزیز را بـه صـد جـهـد
		دریـاب کـه مـبـتـلای عـشـقـم
		از آنـها کـه فـریاد خـورشـیدشـان

۲- استعاره و تشخیص:

الف) استعاره نوع ۱ (مُصرّحه): هر واژه، یک معنای اصلی و گاهی یک یا چند معنای غیر اصلی دارد؛ به معنای اصلی

واژه، معنای حقیقی و به معنای غیر اصلی آن، معنای مجازی می‌گویند. هرگاه کلمه‌ای در معنای غیر حقیقی به کار رود

و به دلیل شباهت، جایگزین کلمه دیگری شود، آرایه استعاره نوع ۱ (مُصرّحه) ایجاد شده است.

به دیگر سخن، این نوع استعاره، تشبیهی است که از طرفین آن فقط «مشبّه‌به» باقی بماند.

مثلاً در مصراع «بین لاله‌هایی که در باغ ماست»، «لاله‌ها» استعاره از «شهیدان» می‌شود زیرا «مشبّه» (شهیدان) حذف شده

راه تشخیص این نوع استعاره‌ها: در این نوع استعاره‌ها می‌توان بین معنای غیرحقیقی و معنای اصلی واژه، رابطه

شباهت ایجاد کرد. مثلاً در مصراع «بیا با گل لاله بیعت کنیم» کلمه «گل لاله» استعاره از «شهید» است زیرا در معنای اصلی

خود به کار نرفته و در ذهن گوینده، شهید، شبیه گل لاله تصوّر شده است.

ب) استعاره نوع ۲ (مکنیه): تشبیهی است که مشبّه آن همراه ویژگی «مشبّه‌به» ظاهر شود و خود «مشبّه‌به» حذف

شود. این ویژگی یا به «مشبّه» اضافه می‌گردد مثل «خنده چمن» و یا به آن نسبت داده می‌شود مثل «چمن خندید».

مثلاً در عبارت «شور جنگ مثل آتش در دل‌ها تنوره می‌کشید». اگر آتش که «مشبّه‌به» است حذف شود، «تنوره کشیدن»

که ویژگی آن است به «شور جنگ» نسبت داده می‌شود پس در این جمله، یک استعاره مکنیه ایجاد شده است.

راه شناخت استعاره نوع ۲ (مکنیه):

مثلاً در ترکیب «عنان عقل» می‌گوییم: عقل، عنان (= افسار) ندارد و «عنان» از ویژگی‌های اسب است پس «عنان عقل» استعاره نوع ۲ است. و یا در «خنده شمع»، خنده از ویژگی‌های انسان است نه شمع، پس «خنده شمع» استعاره است.

ج) تشخیص: نسبت دادن ویژگی و حالات انسانی به عناصر بی‌جان طبیعت، پرندگان، گل‌ها و دیگر موجودات، آرایه تشخیص ایجاد می‌نماید. به دیگر سخن، استعاره‌ای که «مشبّه‌به» آن انسان باشد، تشخیص نیز نامیده می‌شود.

مثلاً در بیت «گنجه با واپسین رمق هایش زیر سقفی از دود و غبار نفس می‌کشید.» «نفس کشیدن» که از ویژگی‌های انسان است، به شهر گنجه نسبت داده شده است. پس در عبارت مذکور می‌توانیم بگوییم آرایه تشخیص یا استعاره ایجاد شده است.

نکته: هر چیز غیر از انسان که با حرف «ندا» و یا بدون آن، مورد خطاب واقع شود و در معنای اصلی خود به کار رود، تشخیص است. مثلاً در جمله «صبا بر آن سر زلف ار دل مرا بینی»، «صبا» تشخیص است زیرا مورد خطاب واقع شده است.

تذکر مهم: اگر واژه‌ای که با حرف «ای» مورد خطاب واقع می‌شود، در معنی اصلی خود به کار نرفته باشد و منظور، چیز دیگری باشد، در آن مورد فقط استعاره نوع ۱ «ایجاد شده است و تشخیصی در کار نیست».

مثلاً در مصراع «ای سرخ گل که فداکاری پیشه کرده ای»، واژه «سرخ گل»، فقط استعاره از «جنوب لبنان» است، و نامیدن آرایه تشخیص برای آن درست نیست؛ هرچند که با حرف «ای» مورد خطاب واقع شده است.

شبهات تشخیص و استعاره نوع ۲ (مکنیه):

اگر ویژگی مورد نظر مربوط به انسان باشد، بین این نوع استعاره و تشخیص فرقی نیست و هر دو آرایه ایجاد شده است. ولی اگر ویژگی مربوط به غیر انسان باشد، فقط استعاره نوع ۲ ایجاد شده است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که «هر تشخیصی»، استعاره مکنیه هست ولی برعکس آن صادق نیست.

توجه: ۱- دانستن نام انواع استعاره (مصرّحه / مکنیه) برای رشته‌های غیر علوم انسانی و معارف ضروری نیست.

۲- استعاره مکنیه‌ای که به صورت «مضاف و مضاف‌الیه» به کار رود، اضافه استعاری گفته می‌شود.

راه تشخیص اضافه استعاری از تشبیهی:

بیشتر مواقع، تشبیه و یا استعاره به صورت یک ترکیب اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) ظاهر می‌شود.

دانش‌آموزان عزیز، گاهی در تشخیص نوع آن (اضافه استعاری یا اضافه تشبیهی) دچار مشکل می‌شوند و به دنبال یک راه حل ساده می‌گردند؛ در چنین مواقعی باید دقت کرد که اگر کلمه اول (واژه مضاف)، نام اندام یا یک جزء یا ویژگی از کل ساختمان موجود دیگری بود که به مضاف‌الیه نسبت داده شده بود، نوع ترکیب، اضافه استعاری (= استعاره) است ولی اگر کلمه اول، خود، کل بود و نتوان آن را زیرمجموعه چیز دیگری قرارداد نوع ترکیب، اضافه تشبیهی (= تشبیه) است.

مثال: «دست خیال» اضافه استعاری است زیرا می‌توان گفت «دست»، جزیی از اجزای انسان است ولی «پرنده خیال» اضافه تشبیهی است. زیرا پرنده، خود، کل و یک مجموعه کاملی است که نمی‌توان آن را جزیی از ساختمان موجود دیگری دانست. برای مسلط شدن بر موضوع، ترکیب‌های زیر را با هم مقایسه کنید و به اضافه تشبیهی یا استعاری بودن آن پی ببرید.

«عنان دل» و «مرغ دل»	«آتش خشم» و «حملة خشم»	«دست اجل» و «صبح اجل»
«طبل عشق» و «آواز عشق»	«سقف شب» و «قالی شب»	«مرغ عقل» و «چشم عقل»

نمونه‌های استعاره و تشخیص:

توضیحات	بیت
سرا: استعاره از جهان	کسی نیک بیند به هر دو سرای
مه: جمال و چهره لیلی	چون رایت عشق آن جهانگیر
شربت: استعاره از لذت های دنیوی	به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من ...
آتش: استعاره از ظلم و ستم	یکی بی زیان مرد آهنگرم
مصراع اول: تشخیص	برداشته دل ز کار او بخت
گل لاله: استعاره از شهدا	بیبا گل لاله بیعت کنیم
دود (حسرت) / داغ (سیاهی وسط لاله	درفشان لاله در وی چون چراغی
	ولیک از دود او بر جاننش داغی

۳- مجاز:

اگر با توجه به قرینه‌ها و نشانه‌های موجود در کلام، مشاهده شود که کلمه‌ای در معنی حقیقی به کار نرفته است و علت این امر، چیزی غیر از «شباهت» باشد، اصطلاحاً آن را «مجاز» می‌گویند.

قرینه (نشانه): عبارت است از کلمه‌ها و عبارت‌هایی که در کلام می‌آید و نشان می‌دهد واژه‌ای در معنی حقیقی خود به کار نرفته است.

فرق مجاز و استعاره:

«استعاره نوع ۱» نیز نوعی «مجاز» است با این تفاوت که در استعاره نوع ۱ (مصرّحه)، رابطه «شباهت» باعث می‌شود که کلمه در معنی اصلی خود به کار نرود اما در «مجاز»، واژه‌ای به دلایلی غیر از شباهت، جایگزین واژه‌ای دیگر می‌شود.

نمونه‌های مجاز:

بیت	واژه مجاز
کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست	سر ← وجود
آمد سوی کعبه سینه پر جوش	سینه ← وجود
بخور تا توانی به بازوی خویش	بازو ← قدرت
حاجت‌گه جمله جهان اوست	جهان ← مردم
چو کاوه برون شد ز درگاه شاه	بازارگاه ← اهل بازار
از آن پس، چنین گفت با موبدان	موبدان ← دانایان
همی بر خروشید و فریاد خواند	جهان ← مردم
شماریت با من بیاید گرفت	جهان ← مردم
بدان محضر اژدها ناگزیر	برنا و پیر ← همه افراد
که دود همتانند بی مغز و پوست	
چون کعبه نهاد حلقه در گوش	
که سعیت بود در ترازوی خویش	
محراب زمین و آسمان اوست	
بر او انجمن گشت بازارگاه	
کای پره‌نر نامور بخردان	
جهان را سراسر سوی داد خواند	
بدان تا جهان ماند اندر شگفت	
گواهی نوشتند برنا و پیر	

۴- جناس:

آن است که گوینده در سخن، کلماتی هم جنس بیاورد که در تلفظ، یکسان یا شبیه به هم و در معنی مختلف باشند.

الف- جناس همسان (نام): در جناس همسان، باید دو کلمه در لفظ و نوشتار یکی و در معنی مختلف باشند. تفاوت معنایی معمولاً در جمله با توجه به هم‌نشینی با دیگر کلمات فهمیده می‌شود.

«با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست»
«چنگ» اول، به معنی «نوعی ساز» است و چنگ دوم به معنی «دست». بنابراین با توجه به تفاوت معنایی واژه‌ها، آرایه جناس نام ایجاد شده است.

توضیحات تکمیلی برخی نکات دستوری کارگاه‌های درس پژوهی فارسی یازدهم

درس یکم

شیوه‌های دریافت معانی واژه‌ها

الف) قرار گرفتن واژه در جمله: معانی برخی واژه‌ها تنها در جمله یا زنجیره سخن قابل درک است.

* ماه، طولانی بود * ماه، تابناک بود

* چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست (نوعی ساز) * این زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست (دست)
* سراندر کشید و همی رفت راسِست (مستقیم) * بلند آن سر که او خواهد بلندش (ارجمند)

ب) رابطه‌های معنایی: روابط واژگانی عبارتند از: مترادف، تضاد، تضمن، تناسب

الف) مترادف: هرگاه دو یا چند واژه، هم معنا و مترادف باشند، رابطه بین آنها مترادف است؛ مانند «سیر و بیزار»، «دَغل و حيله‌گر»

ب) تضاد: هرگاه معنای دو واژه، دقیقاً عکس یکدیگر باشند، رابطه بین آنها تضاد است؛ مانند «سیر و گرسنه»، «روشن و خاموش»

ج) تناسب (مراعات نظیر): به رابطه‌ای گفته می‌شود که دو یا چند واژه از نظر جنس، نوع، مکان، زمان، همراهی و ... با هم تناسب داشته باشند. مانند «سیر و پیاز»، «روباہ و شغال»

د) تضمن: هرگاه معنای یک واژه، معنای واژه دیگری را نیز شامل شود، رابطه بین آنها «تضمن» است؛ مثلاً، «سیر» نوعی «گیاه» است پس میان «سیر» و «گیاه» رابطه تضمن وجود دارد. یا نرگس و گل / اسب و حیوان

توجه: در تضمن یک واژه از لحاظ بار معنایی در زیر مجموعه واژه دیگری قرار می‌گیرد مثل «مورچه و حشره» که «مورچه» نوعی از انواع «حشره» قلمداد می‌شود و یا «کتاب و مدرسه» که کتاب از لوازم مدرسه است.

دریافت معانی واژه «سیر» با توجه به روابط واژگانی

ردیف	جمله	نوع رابطه	واژه‌های هم رابطه
۱	سیر را هنگام پاییز می‌کارند.	تناسب	سیر، می‌کارند.
۲	سیر را غم گرسنه نیست، هم‌چنان که سوار را غم پیاده.	تضاد	سیر و گرسنه
۳	سیر را مساوی ۷۵ گرم می‌دانند.	مترادف	سیر و ۷۵ گرم
۴	سبز سیر، رنگ زیبایی است.	تضمن	سیر و رنگ

درس سوم

* **گروه اسمی:** هر واحد زبانی که در جمله، در جایگاه نقش‌های نهاد، مفعول، مسند و ... قرار بگیرد، یک گروه اسمی است.

ساختمان گروه اسمی: گروه اسمی از یک اسم به عنوان «هسته»، درست می‌شود که می‌تواند یک یا چند «وابسته» نیز بگیرد. وجود وابسته‌ها اختیاری است.

روش تشخیص هسته گروه اسمی: هسته گروه اسمی معمولاً اولین اسم یا جانشین اسمی است که پس از آن کسره اضافه یا حرف اضافه می‌آید. مانند: «گل» و «برخی» در گروه‌های اسمی «همین چند گل زیبا» و «برخی از کودکان»
اگر هیچ کدام از واژه‌ها نقش‌نمای اضافه نداشته باشد، آخرین واژه، «هسته» به شمار می‌رود مثل «خانه»، در گروه اسمی «این دو خانه»؛ و اگر گروه اسمی فقط یک واژه باشد، خودش «هسته» است.

تذکره ۱: واژه «همه» چه با کسره و چه بدون کسره اگر همراه اسم بیاید، صفت مبهم به شمار می‌رود. **مثال:** همه مردم، همه جا
تذکره ۲: اگر گروه اسمی از یک اسم و یک ضمیر شخصی پیوسته تشکیل شده باشد، ضمیر شخصی، جداگانه، یک واژه است و جزء هسته نیست. مثلاً در جمله «من کتابم را برداشتم»، «کتاب» هسته گروه مفعولی است و ضمیر «م» نقش مضاف‌الیه دارد.

وابسته‌های اسم دو گونه‌اند: الف) وابسته‌های پیشین ب) وابسته‌های پسین

* **وابسته‌های پیشین:** واژه‌هایی هستند که در گروه اسمی معمولاً پیش از هسته می‌آیند.

این وابسته‌ها عبارتند از:

۱- صفت اشاره: صفت‌های اشاره عبارتند از: «این، آن، چنین، چنان، همین، همان، این چنین، آن چنان»

این کلمات اگر در گروه اسمی همراه با یک اسم یا جانشینان اسم بیایند، وابسته (صفت اشاره) شمرده می‌شوند.

اما اگر به تنهایی به کار روند، خود در جایگاه هسته گروه اسمی نشسته‌اند که در این صورت «ضمیر اشاره» به شمار می‌آیند.

مثال: همین قلم برای من کافی است. (صفت اشاره) همین، برای من کافی است. (ضمیر اشاره)

توجه: «آن که» و «آن چه» ضمیر مبهم‌اند و یک واژه به شمار می‌آیند.

۲- صفت پرسشی: واژه‌های «کدام، چند، چندمین، چه و ...» وقتی پیش از اسم بیایند و پرسشی را برسانند، «صفت پرسشی اند».

چه روزنامه‌ای می‌خوانی؟ کدام کتاب را می‌گویی؟ چند روز، کار کرده‌ای؟ چندمین فرزند خانواده هستی؟

۳- صفت تعجبی: واژه‌های «چه»، «عجب»، اگر همراه با اسمی بیایند و تعجب را برسانند، «صفت تعجبی» هستند. چه خانه‌ای!

۴- صفت مبهم: واژه‌های: هر، هیچ، همه، فلان، چند، چندین، چندم، دیگر، برخی و ... در صورت همراهی با اسم، صفت مبهم هستند.

۵- صفت شمارشی اصلی: این صفت‌ها همان عددهای اصلی هستند که تعداد آن‌ها نامحدود است یک، دو، هزار، میلیون، ...

۶- صفت شمارشی ترتیبی نوع ۱: اعداد ترتیبی نوع (۱) با افزودن «مین»، به اعداد اصلی درست می‌شوند: یکمین، دومین، ...

توجه: چند کلمه برخلاف این فرمول (عدد اصلی + «مین»)، صفت شمارشی ترتیبی هستند:

اولین، نخستین، آخرین، واپسین، بازپسین واپسین لحظات زندگی بازپسین انوار خورشید

۷- صفت عالی: همه صفت‌هایی که «ترین» را به دنبال دارند، از این مقوله‌اند: بهترین، بزرگ‌ترین، ارزان‌ترین، برترین و ...

۸- شاخص: عنوان یا لقبی است که غالباً، بی‌فاصله بدون هیچ نشانه یا نقش‌نمایی در کنار اسم قرار می‌گیرد.

کدخدا حسن، سرهنگ احمدی، امام رضا، برادر حسینی، حاج آقا فتوحی، شیخ محمود شبستری، استاد علی اکبر دهخدا

آزمون شماره ۲	فارسی و نگارش ۲	خرداد ۱۴۰۴
الف) فارسی (۱۰ نمره)	مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش	
۱	معنی درست واژه های مشخص شده را بنویسید. الف) برو شیر درنده باش ای <u>دغل</u> ب) عشق اما کی خبر از شنبه و <u>آدینه</u> دارد (۵/۰ نمره)	
۲	معنی درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) بحران های عصبی <u>تحفه</u> برخورد فرهنگ شرق با غرب است. (قسمت - هدیه) ب) تا نظر او از ما منقطع گردد و نومید و <u>خایب</u> باز گردد. (ناامید - ترسان) (۵/۰ نمره)	
۳	املاي صحیح را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) سپیده فردای گنجه با نهیب و گلوله های توپ روس باز شد. (صغیر - سفیر) ب) روزی یاران کردند و مرا به تفرج بردند. (الهاح - الحاح) (۵/۰ نمره)	
۴	در کدام یک از عبارات زیر، غلط املايي وجود دارد؟ الف) چون موسم حج رسید برخواست اشتر طلبید و محمل آراست ب) او اختران را در آسمان نهاده تا به بر و بحر نشانمان باشد. (۵/۰ نمره)	
۵	در کدام عبارت، واژه «استاد» وابسته پیشین از نوع شاخص است؟ الف) استاد معین، فرهنگ فارسی را در شش جلد تدوین کرد. ب) کتاب استاد، دربردارنده مطالب مفیدی است. (۵/۰ نمره)	
۶	در مصراع «آزاد کن از بلای عشقم»، ضمیر پیوسته را بیابید و نقش دستوری آن را بنویسید. (۵/۰ نمره)	
۷	در بیت زیر، میان واژه های مشخص شده کدام رابطه معنایی (ترادف، تضمن، تناسب) وجود دارد. (۲۵/۰ نمره) «شغال نگون بخت را <u>شیر</u> خورد بماند آنچه <u>روباه</u> از آن سیر خورد»	
۸	در بیت زیر، یک ترکیب اضافی بیابید. (۲۵/۰ نمره) «به رقصی که بی پا و سر می کنم چنین نغمه عشق سر می کنم»	
۹	در بیت زیر، کدام واژه با توجه به گذر زمان، دچار تحول معنایی شده است؟ (۲۵/۰ نمره) «بفرمود پس کاه را پادشاه که باشد بدان محضر اندر گواه»	
۱۰	در کدام یک از عبارت های زیر، آرایه تشخیص وجود دارد؟ (۲۵/۰ نمره) الف) گنجه با واپسین رمق هایش، زیر سقفی از دود و غبار نفس می کشید. ب) بیا عاشقی را رعایت کنیم ز یاران عاشق حکایت کنیم	
۱۱	در عبارت زیر، کلمات خواسته شده، کدام یک از ارکان تشبیه می باشد؟ (۵/۰ نمره) «از عکس ریاحین او پر زاغ، چون دُم طاووس نمودی.» الف) پر زاغ ب) دُم طاووس	
۱۲	در کدام یک از آثار زیر، نام نویسنده نادرست است؟ (۲۵/۰ نمره) الف) روزها: محمدعلی اسلامی ندوشن ب) چشمه روشن: غلامحسین یوسفی ج) بهارستان: سعدی د) تذکرة الاولیا: عطار نیشابوری	
۱۳	صاحب اثر «دیوان غربی-شرقی» که شیفته شعر و اندیشه حافظ بود، کیست؟ (۲۵/۰ نمره)	

هر یک از آرایه‌های ستون «ب» مربوط به کدام مورد از ستون «الف» است؟ (یک آرایه اضافی است). (۷۵/۰ نمره)

ستون ب	ستون «الف»
(۱) کنایه	الف) هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای
(۲) تلمیح	ب) بیا با گل لاله بیعت کنیم/ که آلاله‌ها را حمایت کنیم
(۳) متناقض‌نما	ج) در چاره‌گری زبان کشیدند
(۴) استعاره	

۱۴

۱۵

کدام مصرع‌کننده بیت زیر، است؟ (۲۵/۰ نمره)

«جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما»
الف) خاک این ویرانه‌ها بویی از آن گنجینه دارد ب) بی تو حتی مهربانی حالتی کینه دارد

۱۶

کدام گزینه به ترتیب جاهای خالی را کامل می‌کند؟ (۲۵/۰ نمره)

«منم پور و نام آورم ز نیروی بود گوهرم»
الف) پیمان - اهریمن ب) ایران - شیران ج) میهن - دشمن د) شیران - ایران

۱۷

کدام بیت، با عبارت «هر که نان از عمل خویش خورد/ منت حاتم طایی نبرد»، ارتباط معنایی بیشتری دارد؟ (۲۵/۰ نمره)

الف) بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش
ب) کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای

۱۸

مفهوم درست هر عبارت را از ستون «ب» انتخاب کنید؟ (در ستون «ب» یک مورد اضافی است). (۱ نمره)

ستون ب	ستون «الف»
(۱) اثرگذار بودن	الف) همگنان استخلاص یاران را مهم‌تر از تخلص خود شناسند.
(۲) غیرت	ب) شیخ گفت: «یا عبدالکریم! حکایت‌نویس مباش چنان باش که از تو حکایت کنند.
(۳) صبوری در راه عشق	ج) مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.
(۴) فراق	د) مگو سوخت جان من از فرط عشق/ خموشی است هان، اولین شرط عشق
(۵) ایثار	

۱۹

در کدام گزینه، مفاهیم بیت زیر به درستی ذکر نشده است؟ (۲۵/۰ نمره)

«خروشید کای پایمردان مردان دیو بریده دل از ترس گیهان‌خدیو»

الف) طرفداری از ظالم ب) از یاد بردن خداوند ج) تسلیم شدن در برابر ظالمان د) حمایت از مردان حق

۲۰

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را مشخص کنید. (۵/۰ نمره)

الف) «تنها خصوصیت سعدی این است که سخنش به سخن همه شبیه باشد و به هیچ کس شبیه نباشد.»، به ویژگی «سهل‌ممتنع» بودن سبک سعدی اشاره دارد.

ب) مفهوم جمله «تو شکر خدا کن، به هنگام رنج/ و شکر او کن، به وقت رستن از رنج»، به «ناسپاسی نعمت»، تأکید دارد.

۲۱

معنای عبارات و مصراع‌های زیر را به نثر ساده و روان برگردانید. (۲ نمره)

الف) آفتاب داشت تیغ می‌کشید. ب) سراچه ذهنم آماس می‌کرد. ج) که دون‌همتانند بی مغز و پوست
د) طاعنان مجال وقعت یابند. هـ) بدو گفت مهر به روی دژم

نگارش (۱۰ نمره)	
۲۲	بازشناسی متن (۱ نمره) متن زیر را بخوانید، سپس موارد خواسته شده را بنویسید. (۱ نمره) «کاشان شهری در استان اصفهان است که میان کوه‌های کرکس و در کویر مرکزی ایران قرار گرفته و آب و هوایی گرم و خشک بیابانی دارد. گردشگران در اواسط اردیبهشت برای دیدن مراسم گلاب‌گیری به قمصر و نیاسر سفر می‌کنند.» الف) زمان ب) مکان ج) فضای نوشته د) رویداد
۲۳	سازه نوشتاری (۳ نمره) یکی از مثل‌های زیر را به دلخواه انتخاب کرده و دریافت خود را از آن در یک بند بنویسید. (۱ نمره) الف) زبان خوش، مار را از سوراخ بیرون می‌آورد ب) آب ریخته، جمع‌شدنی نیست
۲۴	حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید. (۱ نمره) «یکی را شنیدم از پیران مربی که مریدی را همی گفت: ای پسر، چندان که تعلق خاطر آدمیزاد به روزی است اگر به روزی ده بودی، به مقام از ملانکه درگذشتی.»
۲۵	شعر زیر را بخوانید و دریافت خود را از آن در یک بند بنویسید. (۱ نمره) «ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی»
۲۶	آفرینش ادبی (۶ نمره) از میان موضوع‌های زیر، یکی را به دلخواه انتخاب کنید و درمورد آن انشایی بنویسید. (حداقل ۵ بند) الف) طرح گفت و گوی کتاب و تلفن همراه ب) شرح یکی از آیین‌های بومی و محلی ج) کتابی را که خوانده‌اید یا فیلمی را که دیده‌اید به طور خلاصه شرح دهید.

پاسخ‌نامه تشریحی

- ۱- الف) ناراست/ حيله گر ب) روز جمعه/ آخرین روز هفته
- ۲- الف) هدیه ب) ناامید
- ۳- الف) صغیر ب) الحاج
- ۴- الف) برخاست
- ۵- گزینه «الف» ۶- ضمیر «م»، مفعول
- ۷- تناسب ۸- نغمه عشق
- ۹- محضر ۱۰- گزینه «الف»
- ۱۱- الف) مشبه ب) مشبه به
- ۱۲- گزینه «ج» (بهارستان از جامی است.) ۱۳- گونه
- ۱۴- الف) متناقض‌نما ب) استعاره ج) کنایه
- ۱۵- گزینه «الف» ۱۶- گزینه «ب»
- ۱۷- گزینه «الف»
- ۱۸- الف) ایثار ب) اثرگذار بودن ج) غیرت د) صبوری در راه عشق
- ۱۹- گزینه «د» ۲۰- الف) درست ب) نادرست
- ۲۱- الف) خورشید طلوع کرد. ب) به حجم و اطلاعات ذهنم اضافه شد.
- ج) انسان‌های فرومایه اهل اندیشه نیستند و فقط ظاهری انسانی دارند.
- د) سرزنش‌کنندگان فرصت عیب‌جویی پیدا می‌کنند. ه) (ضحاک) با عصبانیت به او (کاوه) گفت.
- ۲۲- الف) اردیبهشت ب) کاشان ج) گردشگری د) گلاب‌گیری